

پیامبر گرامی اسلام(ص):

یک ساعت فکر کردن از شصت سال عبادت کردن بهتر است.

زیرا می توان با یک ساعت فکر، راه شصت ساله را در نظر گرفت و برنامه ریزی کرده و مسیر انحرافی

زندگی خود را تغییر داد همان طوری که

حر بن یزید ریاحی این کار را کرد

نهج الفصاحه، ترجمه علی اکبر میرزایی، چاپ هفتم، حدیث ۶۸



طالع روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، ورزشی

صاحب امتیاز، مدیر مسؤول و سردبیر: محمد مهدی جعفری زاده
شماره استاندارد بین المللی روزنامه طالع (شاپا): ۸۰۰۲ - ۵۸۷۳ - ISSN: 5873-8002
حساب جاری سپهر ۰۱۰۱۴۵۵۸۳۷۰۰۱ بانک صادرات شعبه سه راه بهار به نام روزنامه طالع
شیراز: خیابان انقلاب (نادر) - نیش پارک انقلاب - مجتمع رمز - طبقه اول
تلفن: ۰۷۱۱ - ۲۳۴۴۷۷۲
فکس: ۰۷۱۱ - ۲۳۴۴۷۷۱
کازرون: خ قدمگاه - پایین تر از سه راه دانشسرا - تلفنکس: ۰۷۲۱ - ۲۲۲۹۴۴۶
تایپ و صفحه آرایی: روزنامه طالع
چاپ: نجف زاده شیراز
شمارگان: ۲۰/۰۰۰ نسخه

آشنایی با حیوانات خانگی

طوطی اکلکتوس از خانواده ی psittaculidae و قبیله ی psittaculini نام علمی Eclectus oratus می باشد.
طوطی اکلکتوس بومی جزایر سلیمان، سومبا، گینه نو و جزایر مجاور آن و همسین طور جزایر شمال شرقی استرالیا می باشد.
داشمن رننگ بال برای تشخیص جنسیت در خانواده ی طوطی سانان غیر معمول است، اما طوطی اکلکتوس نر دارای پرها ی سبز روشن و ماده دارای پرها ی قرمز روشن، بنفش و یا آبی است که در این نوع طوطی تشخیص جنسیت بسیار آسان است.
رژیم غذایی طوطی اکلکتوس شامل انواع میوه، انجیر و حبشی، آجیل، جوانه های گل و برگ می باشد. دو میوه ای که طوطی اکلکتوس علاقه ی شدیدی به آن دارد انار و پاپایا می باشند.
در اسارت تمایل زیادی به خوردن میوه هایی چون انبه، انجیر، موز، خربزه، هلو، انگور، مرکبات، گلابی و سیب دارند.



دخترانه ترین خودروی دنیا



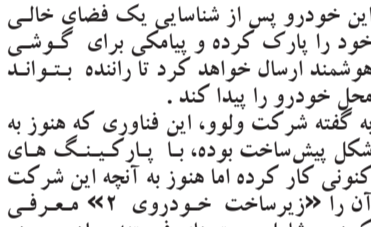
یکی از علاقمندی های دختران استفاده از کفش های پاشنه بلند و کیف دستی های جالب کرده است.

او برای ساخت خودروی تمامی کفش، کیف های رنگارنگ و عینک آفتابی هایی که در طول زندگی اش داشته استفاده کرده است. او همچنین در تزئینات داخلی خودرو از جواهرات مختلف به همراه عروسک های بچگی اش استفاده کرده است.



و رنگارنگ است، آنها همیشه دوست دارند بهترین ها را در اختیار داشته باشند و برخی نیز کلکسیون هایی از این وسایل دارند.
خبرگزاری اسپنا، باشگاه خبرنگاران در این باره نوشت: «کلی لای» هنرمندی است که علاقه های دخترانه اش را بر روی خودرویش نیز پیاده کرده است. او توانسته یکی از دخترانه ترین خودروهای دنیا را برای استفاده شخصی اش طراحی کند. این هنرمند خودروی «هوندا» خود را با استفاده از

خودروهای آینده خود را پارک می کنند!



شرکت خودروسازی ولوو در حال تولید خودرویی است که می تواند خود را بدون حضور راننده پارک کند.

این خودرو راننده را در محل پیاده کرده، به سمت پارکینگ حرکت کرده، پس از شناسایی یک فضای مناسب خود را پارک می کند.
راننده ابتدا این خدمات خودکار را به وسیله یک گوشی هوشمند تعیین خواهد کرد.
خودروی جدید ولوو از حسگرها و دوربین های آئیرد برای هدایت خودرو و

اطمینان از عدم برخورد آن با افراد و خودروهای دیگر برخوردار خواهد بود.

طنز گردآوری از: الاز بابانظری

طلسم

نمی دانم اسمش را چه واژه و لغتی بگذارم، چشم زدن، بدشانسی، قدم نحس و شوم، هنوز هم خودم بی نبرده ام. سال سوم راهنمایی بودم که متوجه این موضوع شدم.
روزی که به بغل دستی ام سر کلاس ریاضی گفتم: چه خودکار فشنگی داری! در همان لحظه از دستش افتاد و گویی که از دماوند افتاده باشد، تکه تکه شد.
در بازی فوتبال در هر تیمی که بازی می کردم، همیشه باخت از آن ما بود و جالبتر این که طرفدار هر تیمی بودم یا می باخت یا بازیکناش به شدت مصدوم می شدند.

در خدمت سربازی دسته ای که من در آن بودم همیشه تنبیه می شد. بعد از خدمت آثار این موضوع وخیم تر شد.
در خیابان چند نفر ماشین هل می دادند. من به کمک آنها رفتم. تا دستم بدنه ماشین را لمس کرد، سمت شاگرد ماشین کاملاً در جوی آب افتاد و در زاویه ۴۵ درجه قرار گرفت. حتی نزدیک بود که واژگون شود!

یک روز وقتی به خانه دایی ام رفتم، متوجه شدم که یخچال فریزر زینا و کرا نقیتمی خریده است. گفتم: مبارک باشد. تا دو شاخه آن را به پرین برق زدنم، دود آبی رنگی از پشت یخچال بلند شد و بوی سوختگی خانه را فرا گرفت. همه چپ چپ نگاه می کردند، چون سوختن یخچال را از چشم من می دانستند. دایی ام در حالی که به زور جلوی عصبانیت خود را گرفته بود، به من نگاه غضبناک و خشنی کرد و گفت: هنوز اولین قسط رو پرداخت نکرده ام، یخچال تا کار شد. و با روزی که به خانه عمومی بزرگم رفتم، تا وارد شدم و بعد از سلام گفتم: زن عمو ناهار چی دارین؟ صدای ترکیدن زودبیز روی اجاق گاز، که مانند انفجار تپ تپ بود، همه را وحشت زده کرد. آشین خانه با تمام وسایلی که خسارت دیده بود. متوجه چرخیدن سر همه به طرف خودم شدم. زن عمویم کنترلش را از دست داد و درحالی که دست مرا گرفته بود و به بیرون از خانه هدایت می کرد، گفت: دیگه ناهار نداریم، شرت رو کم کن!!

و یا این که یک روز وقتی از خانه خارج شدم، متوجه دوستم شدم که کاپوت ماشینش را نزدیک خانه ما بالا زده و با موتور آن رو می-رفت. وقتی مرا دید پشت ماشین خودش را مخفی کرد. اهمیت ندادم و به طرفش رفتم. بعد از تماشای موتور به او گفتم که موتور ایراد ندارد فقط سرباطری کثیف است. وقتی که کارش تمام شد با اضطراب و دلهره ماشین را روشن کرد. لحظه ای که صدای کار کردن روان و یکنواخت موتور را شنیدم، با خوشحالی و تعجب فریاد کشید: پسر، تو بالاخره طلسمو شکستی، دیگه قدمت نحس نیست! و به راه افتاد. هنوز چند متری را طی نکرده بود که صدای تق و تق موتور بلند و ماشین در جایش میخکوب شد. پیاده شد و در حالی که با هر دو دست بر سر خود می کوبید، به دنبال پیدا کردن سنگ بود که به طرف من پرتاب کند. به ناچار فرار کردم. موتور ماشین باقی زده بود و هزینه ای گزاف به او تحمیل شد.

از این گونه اتفاقات نحس و شوم صدها خاطره دارم که حتی یک رمان برای نوشتن آنها کم به نظر می رسد. دیگر به این نتیجه رسیده ام و یقین دارم که نه تنها برای جامعه مفید نیست، بلکه مضر و خطرناکم. بعضی ها نامم را زلزله گذاشته اند و عده ای نیز ام الشر صدایم می کنند. شهره خاص و عام شده ام. تا از خانه بیرون می روم، کوچه و خیابان خلوت می شود. برام ثابت شده است که برای حفظ آرامش و امنیت مردم بهتر است در خانه بمانم. اکنون چند ماه است که کاملاً در خانه تنها هستم.

گاه گاهی برای انجام کارهای ضروری، شبانه از خانه خارج می شوم. بعضی اوقات حتی از پنجره که بیرون را تماشای می کنم، باعث زمین خوردن افراد، یا افتادن وسایل از دستشان می شوم. دیگر به پنجره هم نزدیک نمی شوم. تلویزیون کهنه و سیاه و سفیدی در اتاق تمام اوقات مرا پر کرده است و اغلب مشغول تماشای آن هستم. وقتی در سر یا لپا، عروسی یا نامزدی به هم می خورد، یا تصادفی رخ می دهد و یا در یک فیلم جنگی کسانی کشته می شوند، این سؤال به ذهنم می رسد که آیا فیلم همین طور درست شده، یا به خاطر تماشای من این اتفاقات روی می دهد. دیگر می ترسم کسی را تماشای من از فریاد حرف بزنم، حتی خانواده ام. ترسم از این است که خسارات مالی جایش را با صدمات جانی عوض کند. صبحانه، ناهار و شام را از لای در نیمه باز تحویل می گیرم و لیست چیزهایی را که لازم دارم روی کاغذ می نویسم و از زیر در به بیرون می فرستم.
این زندگی جدید من است و باید خودم را با آن وفق دهم. شاید روزی این طلسم شکسته شود و بتوانم با دنیای بیرون از اتاق دوباره ارتباط داشته باشم. الان شما که این مطلب را می خوانید، امیدوارم که برایتان حادثه بدی رخ ندهد!



عکاس: سیدعلی هاشمی

از نگاه دوربین

آبشار استهبان

همای چون تو عالیقدر حرص استخوان تا کی گفتگو با مدیر موسسه خیریه نورالجواد

دریغ آن سایه همت که بر نااهل افکندی

شودمی تواند متولی امر گردد.
مجمع فرهنگی توریستی بوستان افرا پشوانه اقتصادی خیریه نور الجواد با فضای عرفانی و مکانی زیبا و با بر خورداری از آب و هوای خوش و امکانات رفاهی از قبیل پارک کودک، استخر، آشپزخانه مجهز برای طبخ غذا، آماده پذیرایی از عموم و کسانی که به عضویت این خیریه در آمده اند می باشد.
آشکار است که اگر مدیران استان و ادارات و ارگانها همکاری بیشتری با این مؤسسه عام المنفعه داشته باشند یقیناً نتایج مطلوب تری حاصل می گردد خصوصاً که این خیریه در مقابل حمایت های مدیران استان می تواند خدمات ارزنده تری از قبیل برگزاری سمینارها و همایشها و اردوها و گردشمانیهای خود ارائه دهد تا توازن برقرار گردد. در این دنیای پرهیاهو که اکثریت در باب اقتصاد گرفتار آمده و عملکرد نادرست برخی از نگاه های خیریه که سبب سلب اعتماد خیران و نیکو کاران گردیده، مجتمع تفریحی و توریستی بوستان افرا با برگزاری مراسم سنتی از قبیل برگزاری مراسم ازدواج، جشن تولد، سالگرد ازدواج و مهمانیهای خصوصی و دیگر مراسم شادی بخش و همچنین مراسم مذهبی شامل ولیمه حجاج و برگزاری مراسم در مناسبت های گوناگون و نذرورات با آشپزخانه مجهز و کادری مجرب می تواند با تقویت قدرت مالی خود، خدمات ارزنده تری به مددجویان تحت پوشش خود ارائه دهد که رضایت پروردگار را به دنبال داشته باشد.
یقیناً دنبال کردن این اهداف به منظور کسب درآمد برای مال اندوزی نیست بلکه این خیریه بنا دارد با بضاعت خود قشر آسیب پذیر اجتماع را یاری رسانده تا دست نیاز بسوی دیگران دراز نکند.
اهالی منطقه لارستان اعم از خنج و گراش و غیره... و هر کجای دیگر می توانند با به عضویت در آمدن در خیریه نورالجواد در طول سال به صورت رایگان از فضای بوستان افرا جهت اقامت های کوتاه و یا دراز مدت استفاده نمایند.

بیشتر آنها مشکلات اطراف خود را می بینند و حس می کنند اما فقط تعداد کمی از آنها تنها به تاسف خوردن اکتفا نمی کنند و برای حل آن همت می کنند. آقای محمد رضا موسوی نسب مدیر موسسه خیریه نورالجواد یکی از این انسان ها هست که با آنچه خود در توان داشته به یاری نیازمندان شهر شتافته است. او موسسه خیریه نورالجواد در سال ۱۳۷۸ تاسیس گردید و اکنون تحت نظارت سازمان بهزیستی با شماره ثبت ۱۵۷۶ در شهر شیراز است.



او هدف از این کار را معامله با خدا و کمک به کسانی می داند که واقعا نیازمند هستند هر کاری که به نفع افراد نیازمند و نا توان تمام شود خیر است اما همین کار خوب باید کارشناسی و حساب شده باشد نه از روی احساس خود نمایی و اسم در کردن انجام گیرد، تنها در این صورت کار خیر جواب می دهد. موسسه خیریه نور الجواد بر اساس اهداف ده گانه پایه گذاری شده است. این موسسه اولین فعالیت خود را به روی مسائل فرهنگی گذاشته است. وی افزود: به اعتقاد من فقر فکری در بیشتر مواقع از فقر مالی خطرناک تر است و از این رو تلاش می کنیم با برگزاری کلاس های آموزشی و مشاوره های تخصصی مددجویان این موسسه را آگاه کنیم. امروز اگر کسی که نیازمند است تغییری در فکر و اندیشه اش به وجود نیاید همیشه نیازمند خواهد ماند. مهمترین وظیفه خیریه ها آگاه سازی مردم برای بهتر زندگی کردن است. صدور مجوزهای بی رویه از جاهای مختلف، مشکلات مردم را حل نمی کند. مدیر موسسه خیریه نورالجواد همچنین اظهار داشت: مجوز بی رویه که در



سال های اخیر به موسسات خیریه داده شده نه تنها مردم را خوشحال نمی کند بلکه آنها را دچار مشکل کرده و به اعتقادات آنها نیز لطمه زده است و به دلیل صدور بی رویه مجوزها و رسیدگی نا مناسب به اوضاع آنها کسانی که هیچ گونه آشنایی با امور شرع و عرف در خیریه ندارند متولی امر شده اند و به جای کارهای خیریه به کاسبی می پردازند. اگر کسی بیهاد بود که برای خیریه ها تقسیم کار می کرد و هر موسسه ای را با توجه به تمکن مالی مسئول انجام کاری می کرد کارها به درستی انجام می شد اما چون در حال حاضر چنین نهادی نیست همه خیریه ها در همه حوزه ها فعالیت می کنند ولی کار آنها به چشم نمی آید و دیده نمی شود. مجمع خیرین استان فارس اگر تقویت